

سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران وعربستان سعودی (از 2008 تا کنون)

زهرا الوندی¹

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قم

داوود کیانی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

(تاریخ دریافت 93/7/2 - تاریخ تصویب 93/9/26)

چکیده

در چند دهه اخیر، بخش مهمی از روح حاکم بر روابط میان اتحادیه اروپا با سایر کشورها را مسائل و مباحث حقوق بشری تشکیل می‌دهد. اتحادیه اروپا، با انعقاد پیمان ماستریخت (سال 1992) شرط احترام به حقوق بشر را در روابط خود با کشورهای جهان سوم، به عنوان عنصر ضروری، وارد نموده و نسبت به مسائل حقوق بشری حساسیت فراوانی نشان می‌دهد. این امر در خصوص روابط اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز صادق بوده است. مقاله حاضر، در پی بررسی تطبیقی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌باشد. این مقاله در تلاش است به شیوه‌ای تطبیقی نقض استانداردهای حقوق بشری مورد نظر و تعریف شده، از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را تحلیل و تاثیر رفتار آن بر سیاست خارجی این اتحادیه در قبال این دو کشور را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، سیاست حقوق بشری، جمهوری اسلامی ایران، عربستان

سعودی.

مقدمه

اتحادیه اروپا موفق‌ترین الگوی همگرایی منطقه‌ای و یکی از پرنفوذترین سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌رود. در دوران جنگ سرد، اتحادیه اروپا در سیاست خارجی خود علاوه بر پیگیری اهدافی چون امنیت ملی و توسعه اقتصادی، مسائل حقوق بشری را نیز مد نظر داشته است. اتحادیه اروپا برخلاف سایر قدرت‌ها، از قدرت نرم به جای قدرت سخت در دیپلماسی خود استفاده می‌کند و همچنین جهانی‌سازی حقوق بشر را مبنای اصل ایدئولوژیک سیاست خارجی خود قرار داده و احترام به حقوق بشر، به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا بدل گشته است.

تعدد نهادها و معاهداتی در اروپا که در آن مفاهیم، مقررات و ابزارهای حقوق بشری مورد توجه واقع می‌شوند و رشد کمی و کیفی بندهای حقوق بشری در معاهدات اقتصادی اتحادیه اروپا با دیگر شرکای تجاری خود، شاهدهی بر این مدعاست. همچنین در اسناد مربوط به سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا نیز مسئله حقوق بشر مورد تایید قرار گرفته است. پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام، توسعه و تحکیم دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه (پاراگراف 5، بند 1، ماده 1، پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام) ذکر می‌کنند. علاوه بر آن، ماده 6 معاهده آمستردام تصریح می‌کند که اتحادیه اروپا بر پایه اصول مسلمی از جمله احترام به حقوق بشر بنا شده و کشورهای عضو در صورتی که به طور مستمر این اصول را در سیاست داخلی و روابط خارجی خود نقض نمایند، از برخی حقوق خود در اتحادیه محروم خواهند شد. مباحث حقوق بشر در جهان امروز و تبدیل آن به یک دغدغه عمومی، میان نخبگان سیاسی، فکری و اجرایی جامعه بشری در حوزه خلیج فارس از جمله بر کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تأثیرگذار بوده است. همانا نظر به اینکه پژوهش‌های لازم در ارتباط با بررسی تطبیقی الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از منظر حقوق بشر تا کنون صورت نگرفته، لذا واکاوی و بررسی تطبیقیسیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عرصه روابط بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد و با توجه به گستردگی موضوع و اهمیت به دقت پژوهش، بازه زمانی 2008 میلادی تا کنون در نظر گرفته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود سوال اصلی، مبنی بر بررسی تطبیقی نقش نقض استانداردهای حقوق بشری تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا، به عنوان متغیر مستقل بر سیاست خارجی این اتحادیه، در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به عنوان متغیرهای وابسته، را مورد بررسی قرار دهد. در راستای پاسخ به سوال اصلی، این فرضیه مطرح می‌گردد که نقض استانداردهای حقوق بشری مورد نظر و تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا توسط جمهوری اسلامی ایران موجب کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی و نیز قطع روابط نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا شده است، حال آنکه نقض همان استانداردها توسط عربستان سعودی تأثیری بر سطح روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی اتحادیه اروپا با این کشور نداشته است. رویکرد نظری مقاله حاضر بر اساس چارچوب نظری نهادگرایی نو لیبرال مورد بررسی قرار گرفته که به توضیح پیرامون آن می‌پردازیم.

1- چارچوب نظری: نهادگرایی نو لیبرال

رویکرد نظری مقاله حاضر متکی بر نظریه نهادگرایی نو لیبرال می‌باشد. چرایی انتخاب این نظریه به عنوان چارچوب نظری، به آن دلیل است که مقاله قصد دارد سیاست خارجی یک سازمان مانند اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را از منظر حقوق بشر بررسی نماید. این نظریه نگاه ویژه‌ای به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دارد و به نقش آن در بین کشورها و هم درون کشورها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تاکید بر مولفه‌های منفعت، عقلانیت، همکاری در ابعاد گوناگون سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نزدیکی این مولفه‌ها با گزاره اصلی نهادگرایی نو لیبرال

و قرابت هر چه بیشتر مولفه‌های فوق با نهاد قدرتمندی همچون اتحادیه اروپا، دلیل عمده برگزیدن این نظریه به عنوان چارچوب نظری در مقاله پیش روی می‌باشد. نظریه نهادگرایی نولیبرالیسم، ترکیبی از نورئالیسم و نوکارکردگرایی می‌باشد. در این راستا، کشورهای اروپایی اصولاً لیبرال بوده و همواره به همکاری و ارزش‌های حقوق بشری اهمیت زیادی می‌دهند. از طرفی، اتحادیه اروپا به عنوان کنشگر عقلانی درمی‌یابد که باید به همکاری روی آورد و سود و منافع خود را از طریق آن افزایش دهد، اما منفعت به مفهوم رئالیستی آن، مورد اهمیت قرار می‌گیرد. همچنین از آنجایی که تعهدات و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری، عناصری ارزشی می‌باشند، از این رو اتحادیه اروپا به شیوه‌ای هوشمندانه سعی می‌نماید بر اساس دموکراسی، ارزش‌هایی که بر طبق این چارچوب بوده، در جهت رسیدن به منافع خود استفاده ابزاری نماید. در این راستا، شرحی کوتاه بر نظریه نهادگرایی لیبرال خواهیم داشت.

نظریه نهادگرایی نولیبرال سنتز و تلفیقی از نوکارکردگرایی و نواقع‌گرایی است. کانون این نظریه آن است که چگونه نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای بر انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها و منافع کشورهای سودجو و عاقل تاثیر می‌گذارند. نهادگرایی نولیبرال از یک سو دارای اصول و مفروض‌هایی است که با نواقع‌گرایی سازگاری دارد و از طرف دیگر از قضایا و گزاره‌هایی برخوردار است که با نوکارکردگرایی هم‌خوانی دارد. نهادگرایی نولیبرال نظریه‌ای در مورد نهادها و همکاری بین‌المللی است که در صدد تلفیق سه اصل و عنصر از نواقع‌گرایی و نوکارکردگرایی است. اول: این نظریه نقش مهمی را که کشورها در همگرایی اروپایی ایفا می‌کنند، به رسمیت می‌شناسد. دوم: انگیزه‌های قوی و قاطعی را که برای همکاری به وسیله وابستگی منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود را مورد توجه قرار می‌دهند. سوم: راه و روش‌های تاثیر نهادهای فراملی بر ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورها، از طریق تاثیرگذاری بر محاسبات سود و زیان کنش‌های مختلف آنها را مورد تاکید قرار می‌دهند. (مشیرزاده، 1390، 67)

دولت‌ها بر اساس عقلانیت و منافع خود در می‌یابند که باید به همکاری روی آورند و از طرفی، فاصله خود را با واقع‌گرایی نیز حفظ می‌کند. کوهن تاکید واقع‌گرایان بر تعیین‌کنندگی آنارشی بین‌المللی را نمی‌پذیرد. بر وجود عناصر غیررسمی اداره امور به شکل رژیم‌ها و نهادهایی تاکید دارد که به دولت‌ها برای فائق آمدن بر مشکل کنش جمعی و شکست بازار کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که نهادها عملاً محیط نظام را تغییر می‌دهند و از این طریق در راهبرد دولت‌ها دگرگونی به وجود می‌آورند و امکان تداوم حفظ منافع از طریق همکاری را فراهم می‌کنند. به بیان لپسن، درست است که دولت‌ها کنشگران مستقل‌اند، اما انتخاب‌های آنها به شکلی متقابل و حداقل در پیامدها به هم وابسته‌اند و باید به هر دو ویژگی‌های روابط بین‌الملل توجه داشت. نهادگرایی نولیبرال، برخلاف نوکارکردگرایی که توسعه همگرایی را خودکار و خارج از کنترل دولت‌ها می‌داند، تکامل و تعمیق همگرایی اروپا را مستلزم مذاکرات و چانه‌زنی حکومت‌ها و مصالحه آنها می‌داند. دولت‌های ملی بر اساس منافع ملی خود مسیر، عمق و گستره همگرایی، حوزه اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای اروپایی را تعریف و تعیین می‌کنند. از این رو، سرنوشت همگرایی و اتحادیه اروپا وابسته به محاسبه هزینه-فایده اعضای آن است. همگرایی در قالب اتحادیه اروپا تا زمانی که تامین‌کننده منافع ملی اعضا باشد تداوم، توسعه و تعمیق خواهد شد. اما از طرف دیگر، برعکس نواقص-گرایی، استدلال می‌کند نهادهای اروپایی بر چگونگی ادراک و تعریف منافع ملی کشورهای عضو اتحادیه اروپا تاثیر می‌گذارند که نقش اساسی در تداوم و توسعه همگرایی ایفا می‌کند. فراتر از این، کارکردهای مثبت نهادهای اروپایی در تامین منافع کشورها عامل استمرار آنها می‌باشد. (دهقانی فیروزآبادی، 1389، 41)

2- ترتیبات (اتحادیه) اروپایی موثر در عرصه حقوق بشر

از تاثیرات جهانی شدن، می‌توان گسترش جهانی حقوق بشر را نام برد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سیاست بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر در گستره

ارتباطات جهانی و فعالیت نهادهای بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عمده داخلی و بین‌المللی شود. همچنین ارتقاء حقوق بشر اتحادیه اروپا نمی‌تواند جدا از بافت بین‌المللی باشد و در روند تکامل تدریجی اتحادیه اروپا در ارتباط با حمایت از حقوق بشر، تاثیر گذاشته و فرصت‌های جدیدی را به منظور توسعه بازیگران بین‌المللی در زمینه حقوق بشر فراهم آورده است. (کرکودال، 1999، 735)

اروپا دارای یکی از منسجم‌ترین ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در سراسر جهان است. سه دهه بعد از معاهده رم، اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر در سیاست خارجی خود، اقدامی مهم انجام داد و این موضوع با امضای معاهده اتحادیه اروپا در نوامبر 1993 وارد مرحله اجرایی گردید. معاهده مذکور توسعه و تحکیم مردم سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف اصلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار داد. به نظر می‌رسد حقوق بشر در هر دو سیاست خارجی و داخلی اتحادیه اروپا نقش مهمی را ایفا می‌نماید. (آلستون، 2000، 156)

در اسناد و منابع قانونی پایه تشکیل اتحادیه اروپا، پایبندی به معیارهای حقوق بشر از جمله مبانی وجودی این شکل‌گیری عنوان شده است. وجود یک نظم حقوقی در اتحادیه اروپا شرط لازم برای ادامه حیات این اتحادیه می‌باشد. این منابع قانونی شامل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، منشور اجتماعی اروپا، کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز می‌باشند. علاوه بر این اسناد، اتحادیه اروپا با استفاده از نهادهایی نظیر شورای اروپا، کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر و سازمان امنیت و همکاری اروپا، نظام ویژه‌ای را در جهت ارتقاء حقوق بشر در میان اعضای اتحادیه اروپا و در راستای تاکید حقوق بشری در تعاملات

دو یا چند جانبه پدید آورده است، که به طور مختصر به نهادهای اروپایی فوق‌الذکر، اشاره می‌گردد.

در معاهده‌های تاسیس جامعه اروپا، تشکیل نشست‌های روسای دولت‌ها پیش‌بینی نشده بود، اما در دهه 1960 و اوایل دهه 1970 چند نشست از این نوع برگزار گردید. در سال 1974، در جریان اجلاس پاریس، مقرر شد که جلسات، حالت نهادین به خود گرفته و نهادی به نام شورای اروپا¹ تشکیل شود. از زمان معاهده ماستریخت، نقش هدایت اصولی و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا بر عهده شورای اروپا گذاشته شده است. به علاوه، شورای اروپا همواره بیانیه‌های مختلفی در مورد موضوع‌های بین‌المللی مهم از جمله مباحث حقوق بشری و تروریسم را صادر کرده است. شورای اروپا اولین سازمان سیاسی میان دولت‌های اروپایی است که با هدف مساعدت برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و به منظور حفظ و همچنین ترویج ایده‌ها و اصول مرتبط با میراث مشترک آنها، تاسیس شده است. افزون بر آن، تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری درباره ابتکارهای عمده اروپایی بر عهده شورای اروپا و وظیفه اجرای این سیاست و تصمیم‌ها بر عهده ارگان‌های مدیریتی و اجرایی (کمیسیون اروپا و شورای وزیران) قرار گرفته است. شورای اروپا برای ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر، آزادی را تضمین می‌کند، در نتیجه احترام به حقوق بشر، شرط عضویت در شورا گردید و بدینوسیله سیستمی در جهت کسب ضمانت‌های جمعی حقوق بشر در اروپا سازمان‌دهی گردید. شورای اروپا همچنین به منظور نهادینه کردن دموکراسی و حمایت کامل از حقوق بشر، همکاری نزدیکی با اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپایی غربی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی آن و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در زمینه حقوق بشر، برقرار کرده است. (نیوجنت، 1393، 405)

پارلمان اروپا، نهاد دیگری است که پس از معاهده آمستردام (1997)، از موقعیت برجسته‌ای در بین نهادهای اروپایی برخوردار بوده است. پارلمان اروپا، یک نهاد قانون-گذاری بسیار فعال است که از طریق صدور قطعنامه، تدوین گزارشات، طرح سوالات و مسائلی که در کمیسیون اروپایی عنوان می‌کند، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفاد می‌نماید. (عبدخدایی، 1389، 518)

پارلمان اروپا، دارای 20 کمیسیون می‌باشد که کمیسیون امور خارجی، حقوق بشر و سیاست خارجی و امنیتی مشترک یکی از مهمترین کمیسیون‌های آن به شمار می‌رود و مباحث حقوق بشری همواره از اولویت‌های آن به حساب می‌آید. شایان ذکر است بخش برجسته این قسمت، جایزه سالانه ساخاروف برای آزادی اندیشه¹ می‌باشد که به افراد یا سازمان‌هایی که در راه دستیابی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبارزه می‌کنند، اهدا می‌گردد. (کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپا، 2014) همچنین کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپا در سال 2004 میلادی برپا گردید. این کمیته فرعی، مباحث و جلسات رسیدگی در خصوص همه انواع موضوعات حقوق بشری را برگزار می‌نماید و پس از نتیجه مذاکرات، گزارش‌ها و قطعنامه‌هایی تنظیم و تصویب می‌گردد. گزارش سالانه حقوق بشری² در خصوص وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان توسط این کمیته فرعی پیش‌نویس و تنظیم می‌گردد. مسئولیت‌های اصلی کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپایی شامل موضوعاتی در خصوص حقوق بشر، حمایت از اقلیت‌ها، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک در کشورهای جهان سوم می‌باشد، که در این زمینه کمیته امور خارجی³ توسط کمیته فرعی حقوق بشر همراه می‌شود و بدون هیچ‌گونه تبعیض یا تعصبی، باید همه اعضا کمیته و نهادها با مسئولیت‌هایشان در این خصوص،

1. Sakharov Prize for Freedom of Thought

2. The Annual Human Rights Report

3. Committee on Foreign Affairs

4. Subcommittee on Human Rights

برای شرکت در نشست‌های این کمیته فرعی دعوت شوند. اقدامات پارلمان اروپا، برای متداول نمودن حمایت از حقوق بشر در اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای با دیدگاه گفتمان حقوق بشر جهانی قانونی شده‌اند. (بالدوچی، 2008، 61)

کمیسیون اروپا، نهاد دیگری است که معمولاً به عنوان سازمان اداری یا قوه مجریه اتحادیه اروپا دیده می‌شود و در واقع مجری سیاست‌های شورا و مصوبات پارلمان اروپا می‌باشد و از لحاظ میانجی‌گری و مصالحه‌جویی از موقعیت ممتازی برخوردار است و همچنین یکی از دلایلی است که این کمیسیون، به عنوان یک عضو بی‌طرف یاد می‌شود. لذا به نظرات آن با سوءظن و تردید کمتری نگریسته می‌شود و کمیسیون در بهترین موقعیت ارزیابی برای قضاوت افکار عمومی و کشورهای عضو درباره یک طرح یا پیشنهاد قرار دارد. (نیوجنت، 1393، 320)

کمیسیون اروپا در این زمینه، نقش منحصر به فرد ارتقاء ثبات در فعالیت‌های اتحادیه و کشورهای عضو در خصوص حقوق بشر را بر عهده دارد. کمیسیون بر اساس دستورالعمل‌های تعیین شده برای آن، از طریق مشارکت در بحث‌های شورا و نظارت بر توسعه وضعیت‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی، اطمینان حاصل می‌نماید تا اولویت‌های سیاسی اتحادیه و همچنین سیاست خارجی و امنیتی مشترک آن توسط جامعه اروپا منعکس گردد و نقطه نظرات جامعه اروپا نیز در طرح‌ریزی گزارش سالانه شورا در مورد حقوق بشر که از سال 1999 آغاز شده است، لحاظ می‌کند. همچنین تلاش برای برجسته‌سازی متغیر حقوق بشر در روابط سیاسی و تجاری با سایر کشورها، در اول ژانویه 2007 با اتخاذ راهبردی متمرکز از سوی اتحادیه اروپا (پیشنهاد از سوی کمیسیون اروپا) تحت عنوان ابتکار اروپایی برای دموکراسی و حقوق بشر^۲

(همکاری سیاسی EPC که جایگزین سیاست خارجی و امنیتی مشترک) Common Foreign and Security Policy¹. اروپا) گردیده است.

². European Instruments for Democracy and Human Rights (EIDHR)

تکامل بیشتری یافت. در این ابتکار اتحادیه اروپا، حتی سخن از کمک‌های مالی به نهادهای مدنی جوامع طرف مقابل به میان آورده، ارتقای حقوق بشر و مفاهیم آن در دولت مقابل را از اهداف اصلی خود برمی‌شمرد و در بیانیه‌ها و تعاملات سیاسی خویش به تشویق سایر بازیگران جهانی مانند شرکت‌های چند ملیتی، برای ایفای نقش در جهت ارتقا احترام به حقوق بشر در سراسر جهان نموده و استفاده از نفوذ خود در کشورهای در حال توسعه، به منظور حمایت از رسیدن آنها به توسعه پایدار می‌نمایند. (گلشن پژوه، 1391، 1:378)

دادگاه اروپایی حقوق بشر نهاد دیگری است که شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را از طرف دولت‌ها یا افراد مورد رسیدگی قرار می‌دهد. البته سازمان‌های غیردولتی نیز اجازه طرح دعوی در این دادگاه را دارند. (تاموشات، 1391، 362)

افزون بر موارد فوق می‌توان از سازمان امنیت و همکاری اروپا نام برد، اگرچه با عنوان یک نهاد حقوق بشری شناخته نمی‌شود اما یک راهکار اجرایی حقوق بشر در این سازمان وجود دارد که عبارت از یک روند چند مرحله‌ای مذاکره، وساطت، کشف حقیقت، مذاکرات دو جانبه-چند جانبه و انجام وظایف کارشناسان و گزارش‌گران سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌باشد. همچنین یک نقش مهم در نظارت بر انتخابات در اروپا دارد. (ممتاز، 1382، 130)

3- الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران از منظر

حقوق بشر

سرعت و دامنه تحولات اساسی در عرصه بین‌المللی، بازیگران اصلی سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خود در نظام بین‌الملل به عمل آورند و راهبردها و راهکارهای مناسبی را تدبیر کنند. نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا در صحنه بین‌المللی از مهمترین تحول‌هاست و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عمده‌ترین بازیگران

منطقه خلیج فارس، از این تحولات تاثیر می‌پذیرد و همانند سایر بازیگران، به دنبال جلب منافع خود از رهگذر اثر گذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین است. ترکیب کشورهای اتحادیه اروپا، تشکیل دهنده یک بلوک قدرتمند سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، علمی و صنعتی است که به عنوان کشورهای ثروتمند و تاثیرگذار در سطح بین‌الملل مطرح هستند. لذا این اتحادیه دارای یک پتانسیل قوی جهت رایزنی در عرصه بین‌الملل می‌باشد. (خالوزاده، 1382، 37)

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رفتار اتحادیه اروپا در قبال ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در ارتباط با روابط حقوق بشری اتحادیه اروپا با ایران، می‌توان چهار دوره نظیر دوره تقابل خاموش، دوره گفتگوهای انتقادی، دوره گفتگوهای جامع و دوره تعلیق گفتگوهای جامع را در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به علت قرارگرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه‌ی استراتژیک هستند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین‌المللی و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی را برای برقراری یک رابطه تقویت شده با اتحادیه اروپایی به وجود می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران از نظر راهبردی در مرکز ذخایر انرژی جهان واقع است و طولانی‌ترین سواحل را با حوزه منابع انرژی در دریای خزر دارد. همچنین از نظر موقعیت مرکزی، به دلیل واقع شدن در بین دو قاره آسیا و اروپا و نیز قرارگرفتن در میان کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز در شمال و کشورهای حوزه خلیج فارس در جنوب و واقع شدن در قلب 75 درصد مجموع ذخایر نفت و گاز و انرژی، موقعیتی بی‌نظیری در حمل و نقل کالا و ترانزیت انرژی دارد. (صادقی، 1392، 160)

اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است که از طریق تعمیق روابط خود با ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد. بنابراین تنظیم روابط با ایران از اهمیت اساسی برای اتحادیه برخوردار می‌باشد. از

ابتدای دهه 90، با توجه به متغیرات و تحولات بین‌المللی، نظیر فروپاشی بلوک شرق، حذف پیمان ورشو، پایان جنگ سرد، پیوستن کشورهای بلوک شرق به اتحادیه اروپا و ناتو، دکترین نظم نوین جهانی آمریکا و تحولات بعد از 11 سپتامبر، اتحادیه اروپا مایل است روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران از نو تعریف کند. البته در این روند عوامل بازدارنده و محدودیت‌زایی مانع از گسترش روابط میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا شده است. هسته‌ای ایران، اختلاف نظرهای اتحادیه اروپا و ایران در خصوص موضوعاتی مانند تروریسم، رویکرد غرب در تحولات خاورمیانه و حقوق بشر از جمله موانع بسط و گسترش روابط بین دو طرف بوده است. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بر اساس یک آهنگ منظم، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی شده پیشرفت نکرده است و احتمال کندی یا توقف آن وجود دارد. با توجه به اختلاف نظری که بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بر سر برخی مسائل مانند حقوق بشر، صلح خاورمیانه، حق برخورداری از انرژی هسته‌ای و غیره وجود دارد، هریک از این اختلاف‌ها می‌تواند مانع پیشرفت در روابط گردد. در واقع عدم درک متقابل، نقش تعیین‌کننده‌ای در عدم نهادینه شدن روابط میان ایران و اتحادیه اروپا را دارد. به بیان دیگر، توجه به اهمیت بهسازی تصویرها و برداشتها در روابط ایران و اتحادیه اروپا که تحت تاثیر موضوعات سنتی موجود در دستور کار گفتگوهای فیما بین قرار دارد، برای فضا سازی مجدد و اعتماد سازی متقابل بین دو طرف از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. لازم به ذکر است، اتحادیه اروپا همکاری‌های تجاری با ایران را به مسائل سیاسی پیوند زده است. قبلاً رفتار کشورهای اروپایی در قبال ایران در مورد مسائل اقتصادی با آمریکا متفاوت بود و کشورهای اروپایی تحریم‌های اقتصادی آمریکا را نادیده می‌گرفتند و شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران می‌کردند. اما اکنون رفتار اتحادیه اروپا در مسائل اقتصادی نیز تغییر کرده است. به عنوان مثال اتحادیه اروپا امضای موافقت‌نامه همکاری و تجارت با ایران را موکول به بهبود و تغییر

رفتار ایران نسبت به مسائل یاد شده، (حقوق بشر، خلع سلاح، تروریسم و برخی مسائل منطقه‌ای از قبیل صلح خاورمیانه) نموده است. انعقاد موافقت‌نامه تجارت و همکاری با اتحادیه اروپایی در ارتباط مستقیم با مذاکرات سیاسی است و اتحادیه اروپا بخصوص در دهه اخیر همواره بیان داشته است، که چنانچه گفتگوهای اقتصادی نخواهد منجر به تعمیق روابط با ایران بشود، باید در ارتباط نزدیک، موازی و همزمان با گفتگوهای سیاسی پیش برود و مسائلی مانند موضوعات حاکمیت قانون، حقوق بشر نظیر حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و... دارای اهمیت و اولویت وافی برای اتحادیه اروپا بوده و پیشرفت آن، در ارتباط با پیشرفت مذاکرات اقتصادی- تجاری است و بدون پیشرفت در این مسائل، انعقاد موافقت‌نامه اقتصادی عملی نخواهد بود. باید توجه داشت که گسترش روابط با اتحادیه اروپا آسان نخواهد بود و یک روند زمان‌بر و پرفرازونشیب می‌باشد که در این راستا اعتمادسازی، اهمیت بسزایی در بهبودی و گسترش روابط دارد. با تغییر جامعه اروپایی به اتحادیه اروپایی، این اتحادیه در حال توانمند شدن و تقویت ساختارهای داخلی خود بود. اگر چه اعضای اتحادیه اروپا در بسیاری از موارد به خصوص در موضوعات سیاست خارجی و امنیتی مشترک با دیگر اجماع نداشتند، اما در خصوص ایران با توجه به تقارن منافع در بین اعضا یکپارچگی و اشتراک نظر دیده می‌شود. به منظور ارزیابی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اسناد صادره از سوی اتحادیه اروپا شامل (قطعنامه، بیانیه، اعلامیه و گزارشات) وجود دارد که مشخصاً توسط پارلمان و کمیسیون اروپا صادر شده‌اند و در ادامه مورد مطالعه قرار گرفته است.

3-1- پارلمان اروپا و حقوق بشر در ایران

پارلمان اروپا، یکی از نهادهای فعال در زمینه انتقادات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و همواره از طریق صدور قطعنامه و تدوین گزارشات نقش مهمی در منفی نمودن افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفا نموده و همچنین به طور غیر

مستقیم بر قطعنامه‌های سازمان ملل تاثیر گذار بوده است. مقاله حاضر در ادامه به بررسی قطعنامه‌هایی که از سال 2008 تا کنون از سوی نهاد پارلمان اروپا، در رابطه با موضوعات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب و منتشر گشته است، می‌پردازد. با توجه به اینکه بررسی تک تک قطعنامه‌ها و شرح آنها، در این مقال نمی‌گنجد، لذا در مجموع قطعنامه‌های صادره از سوی نهاد پارلمان اروپا طی سال‌های 2008 تا کنون در قالب جدول ذیل تهیه و مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین با توجه به گستردگی اسناد صادره، به چند مورد از مهمترین آنها اشاره می‌شود. همانطور که مشاهده می‌شود، 14 قطعنامه از سوی پارلمان اروپا علیه ایران در ارتباط با موضوعات حقوق بشری منتشر شده است.

شماره قطعنامه	تاریخ قطعنامه	عنوان	موضوعات اصلی و ملاحظات
1	31 ژانویه 2008	وضعیت ایران	وضعیت حقوق بشر در ایران (مجازات مرگ و اعدام، سنگسار، ممنوعیت آزادی بیان، ممنوعیت آزادی عقیده و ممنوعیت آزادی مذهب (خصوصاً بهائیان و صوفیان) مسئله هسته‌ای روابط ایران و اتحادیه اروپا
2	24 آوریل 2008	وضعیت حقوق زنان در ایران	نقض حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران تبعیض‌های جنسیتی و مجازات سنگسار تبعیض علیه زنان بالاخص در ارتباط با عدم برابری حقوق در ازدواج، طلاق، ارث و عدم انتصاب زنان به عنوان قاضی
3	19 ژوئن 2008	اعدام تخلفان نوجوان در ایران	مرتبط با رویه محکومیت و مجازات اعدام متخلفان نوجوان

4	P6-TA-2008-0412	4 سپتامبر 2008	مجازات اعدام در ایران	رویه محکومیت قانونی و مجازات اعدام در کشور ایران
5	P6-TA-2009-0029	15 ژانویه 2009	پرونده شیرین عبادی	خواستار آزادی زندانیان سیاسی، عقیدتی و اقلیت-های جامعه بهایی
6	P7-TA-2010-0016	10 فوریه 2010	وضعیت ایران	موضوع هسته‌ای روابط ایران-اتحادیه اروپا مباحث حقوق بشر، بیشترین بند (شامل 12 بند) از قطعنامه را در برمی‌گیرد. (آزادی زندانیان، فعالان سیاسی، مدافعان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، ویلاگ-نویسان بعد از انتخابات 2009)
7	P7-TA-2010-0310	8 سپتامبر 2010	پرونده زهرا بهرامی و سکینه محمدی آشتیانی	وضعیت این دو فرد خاص (زهرا بهرامی و سکینه محمدی آشتیانی) موارد نقض حقوق بشر نظیر مجازات اعدام، سنگسار، ممنوعیت آزادی بیان، ممنوعیت آزادی عقیده و ممنوعیت آزادی مطبوعات
8	P7-TA-2011-0021	20 ژانویه 2011	پرونده نسرين ستوده	نظیر آزادی بیان، عقیده و آزادی مطبوعات آزادی زندانیان سیاسی، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر از جمله نسرين ستوده
9	P7-TA-2011-0096	10 مارس 2011	رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران	وضعیت داخلی ایران پرونده هسته‌ای ایران حقوق بشر بیشترین بند آن (شامل 27 بند) تبعیض شدید حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و مجازات اعدام اعدام اقلیت‌های جامعه بهایی، مدافعان حقوق بشر، وکلا، دانشجویان و روزنامه‌نگاران
10	P7-TA-2011-0517	17 نوامبر 2011	نقض حقوق بشر در ایران	تاکید بر آزادی زندانیان فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر

<p>نقض حقوق بشر در ایران به ویژه آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و مجازات اعدام مباحث هسته‌ای ایران</p>	<p>وضعیت و برنامه هسته‌ای ایران</p>	<p>2 فوریه 2012</p>	<p>P7_TA (2012)002 4</p>	<p>1 1</p>
<p>نقض حقوق بشر از قبیل منع آزادی بیان، عقیده و اجتماعات و منع برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بین اقلیت‌های بهایی و صوفی</p>	<p>وضعیت اقلیت‌های قومی</p>	<p>14 ژوئن 2012</p>	<p>B7-2012-0311</p>	<p>1 2</p>
<p>آزادی زندانیان سیاسی و مدافعان حقوق بشر استقبال از آزادی نسرين ستوده و جعفر پناهی (برندگان جایزه 2012 ساخارف)</p>	<p>وضعیت حقوق بشر در ایران (تاکید بر موضوع اعدام گروهی و مرگ ویلاگ-نویس ایرانی، ستار بهشتی)</p>	<p>22 نوامبر 2012</p>	<p>B7-2012-2877</p>	<p>1 3</p>
<p>مسائل منطقه‌ای و حوزه حقوق بشر (نقض‌های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی جنبش‌های مدنی، نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی) مسئله هسته‌ای چشم‌انداز روابط ایران با اتحادیه اروپا</p>	<p>استراتژی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>31 آوریل 2014</p>	<p>B7-0279/2014</p>	<p>1 4</p>

به طور مثال، در 4 سپتامبر 2008 قطعنامه‌ای از سوی پارلمان اروپا با عنوان "مجازات اعدام" علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد تصویب قرار گرفت. این قطعنامه شامل 12 بند بوده و حول محورهایی مرتبط با رویه محکومیت قانونی و مجازات اعدام در کشور ایران می‌باشد. این قطعنامه، بیانیه و اعلامیه‌های منتشره در سال 2008 از دفتر ریاست اتحادیه اروپا را مورد تاکید قرار داده و از میزان اعدام‌ها در سال 2008 در ایران (تعداد 191 نفر) اظهار نگرانی عمیقی نموده است. همچنین مجازات اعدام کودکان را بر طبق قوانین بین‌الملل، ماده 6 (بند 5) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق کودک ممنوع دانسته است. قطعنامه ادعا کرده حداقل 130 مورد محکومیت به اعدام در ایران در سال 2008 گزارش شده، که برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت ایران می‌باشد. (قطعنامه 4 سپتامبر 2008 پارلمان اروپا علیه ایران، 2014) همچنین قطعنامه‌ای از سوی پارلمان اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ 14 ژوئن 2012 با عنوان "وضعیت اقلیت‌های قومی" منتشرگشت. این قطعنامه شامل 10 بند بوده و موارد نقض حقوق بشر از قبیل منع آزادی بیان، عقیده و اجتماعات و منع برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بین اقلیت‌های بهایی و صوفی را بیان نموده و آن را محکوم کرده است. (قطعنامه 14 ژوئن 2012 پارلمان اروپا علیه ایران، 2014)

افزون بر موارد فوق، پارلمان اروپا قطعنامه‌ای تحت عنوان "استراتژی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران" در تاریخ 31 آوریل 2014 صادر و پس از تصویب نهایی به نهادهای اتحادیه اروپا، پارلمان‌ها و دولت‌های اروپایی ابلاغ نمود. این قطعنامه حول محورهایی شامل مسئله هسته‌ای، چشم‌انداز مناسبات ایران با اتحادیه اروپا، مسائل منطقه‌ای و حوزه حقوق بشر می‌باشد که در 23 بند تنظیم گردیده است. اتحادیه اروپا در این قطعنامه موارد نقض‌های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی

جنبش‌های مدنی، نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی اظهار نگرانی شدید کرده و از مقامات ایرانی می‌خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه صنفی و کارگری و دستگیرشدگان انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 در ایران را آزاد نماید و همچنین در رابطه با شمار زیاد اعدام‌ها (به ویژه بهائیان) در سال 2013 و 2014 هشدار می‌دهد. افزون بر آن، اتحادیه اروپا معتقد است انتخابات 2013 ریاست جمهوری ایران مطابق با استانداردهای دموکراتیک، مد نظر آنان برگزار نگردیده و به اعلامیه‌ای مصوب در مورد معیار انتخابات آزاد و سالم¹ در تاریخ 26 مارس 1994 در اتحادیه بین‌المجالس² که دولت ایران نیز یکی از اعضای آن می‌باشد، اشاره می‌نماید. پارلمان اروپا در این قطعنامه، تاکید می‌نماید در کلیه روابطش با ایران مسئله حقوق بشر را در اولویت قرار خواهد داد و همچنین از اتحادیه اروپا می‌خواهد گفتگو درباره حقوق بشر با جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با مسائل قضایی و امنیتی آغاز نماید. از نکات مثبت این قطعنامه، استقبال از طرح دکتر روحانی برای تنظیم منشور حقوق شهروندی³ و استقبال از آمادگی دولت ایران برای برقراری روابط شفاف و سازنده‌تر با غرب را می‌توان برشمرد. البته متذکر می‌شود که حقوق شهروندی باید کاملاً با تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه عدم تبعیض و حق حیات، ترویج ممنوعیت شکنجه، تضمین آزادی کامل مذاهب و تضمین آزادی بیان منطبق باشد و معتقد است هم اکنون این حقوق با تعریف مبهم جرائم مرتبط با امنیت ملی⁴ محدود شده است. (قطعنامه 31 آوریل 2014 پارلمان اروپا علیه ایران، 2014)

¹. Declaration on Criteria for Free and Fair Elections

². Inter-Parliamentary Union

³. Charter of Citizens' Rights

⁴. National-security related offence.

3-2- کمیسیون اروپا و حقوق بشر در ایران

با توجه به اینکه بر اساس معاهده لیسبون، نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا همزمان معاون ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا می‌باشد، لذا در این مقاله مجموعه اسناد صادره حقوق بشری از سوی نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ذیل اسناد کمیسیون اروپا مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده در این مقاله، 22 مورد اعلامیه، 45 مورد بیانیه حقوق بشری از سوی این دفتر، علیه جمهوری اسلامی ایران از سال 2008 تا کنون منتشر گردیده است. مهمترین موضوعات بیانیه، اعلامیه و گزارشات، مواردی نظیر حوادث بعد از انتخابات 2009 ریاست جمهوری، مجازات اعدام، سنگسار، اصلاح قوانین کیفری و قضایی، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی اطلاعات و آزادی اقلیت‌ها (جامعه بهایی و صوفی) را در برمی‌گیرد. اتحادیه اروپا اکثر مواقع از بانیان صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگر چه گزارش‌ها، بیانیه، اعلامیه، قطعنامه‌های منتشر شده از سوی این پارلمان فاقد ضمانت اجرایی بوده و لازم‌الاجرا نیست اما بیانگر دیدگاه‌های نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از طرفی تاثیر خود را بر ایران در عرصه بین‌المللی به جای خواهد گذاشت. اتحادیه اروپا همواره رفتاری همراه با یک سیری نوسانی، شکننده و ناپایدار در خصوص همکاری سیاسی، اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن متغیر حقوق بشر داشته است.

4- الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال عربستان سعودی از منظر حقوق بشر

کشورهای اروپایی و منطقه خاورمیانه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس از گذشته پیوندهای عمیق اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی با یکدیگر داشته‌اند. هر چند، اروپا نسبت به بازیگری در زمینه امنیت در خاورمیانه شدیداً محدود گردیده اما می‌تواند

به لحاظ اقتصادی و عمدتاً استراتژی امنیتی، نفوذ گسترده‌ای را در منطقه به دست آورد، گرچه این نفوذ خود موقوف به ثبات است. از سویی اتحادیه اروپا یک بلوک تجاری پر تنوع می‌باشد که به شکل گسترده‌ای به صدور محصولات ساخته شده وابسته است، در حالی که اقتصاد کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تحت سلطه بخش انرژی است. در واقع، نفت و نفت خام 95 درصد از صادرات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. (صالح، 1999، 89)

در سال 1988، جامعه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس¹، به منظور گسترش همکاری‌ها، وارد مذاکراتی شدند و این گفتگوها منجر به توافقنامه همکاری بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس شد که این توافقنامه در 25 فوریه 1989 امضاء و در سال 1990، وارد مرحله عملی گردید. بر اساس توافقنامه اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همکاری‌های دوجانبه در زمینه انرژی، صنعت، تجارت، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، علوم و فناوری صورت می‌پذیرد. (کلمبو و کمیتری، 2013، 5) علاوه بر آن، اتحادیه اروپا با بنیاد نهادن مشترک اروپا-مدیترانه در سال 1995 موفق به گرد هم آمدن کشورهای منطقه خاورمیانه شد. هدف اصلی این ابتکار بنیان‌گذاری یک منطقه اقتصادی اروپا مدیترانه‌ای بود. بر مبنای این طرح که به فرایند بارسلون معروف است، 27 کشور واقع در این منطقه در جهت ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و منطقه‌ای با ثبات بر مبنای اصول دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه مبادلات فرهنگی- انسانی تلاش خواهند کرد. به نظر می‌رسد نگرانی اروپا در این منطقه بیشتر بر روی ساختار اقتصادی متمرکز می‌شود. (اچاگو، 2007، 39)

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، علاوه بر همکاری‌های سیاسی، اقتصادی- تجاری از نقطه نظر نظامی نیز با کشورهای عضو اتحادیه

¹.Gulf Cooperation Council (GCC)

اروپا همکاری دو جانبه و گسترده‌ای دارند. در این مقاله سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال عربستان سعودی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عربستان سعودی جزء آن دسته از کشورهایی است که با وجود نقض آشکار حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی تا کنون توانسته است از بررسی دقیق نقض حقوق بشر توسط نهادهای بین‌المللی نجات یابد. نقض حقوق بشر در عربستان که یک نظام سلطنت مطلقه است، بسیار رایج و فراگیر می‌باشد. به رغم فشارهای بین‌المللی و داخلی برای اجرای اصلاحات، پیشرفت‌ها در این زمینه، کند و ناکافی بوده است. بسیاری از حقوق اولیه تحت قوانین این کشور به رسمیت شناخته نشده‌اند، احزاب سیاسی اجازه فعالیت نداشته و آزادی بیان به شدت محدود است. مهمترین موارد نقض حقوق بشر در عربستان شامل مجازات اعدام، نظام حقوقی و محاکمه‌های ناعادلانه، وضعیت نامطلوب کارگران مهاجر، ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی مطبوعات، ممنوعیت آزادی اقلیت‌ها و تبعیض علیه زنان می‌باشد. یکی از موارد نقض حقوق بشر از سوی دولت عربستان، نقض حقوق کارگران مهاجر خارجی در این کشور است. اکثر مهاجرین خارجی از کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا مانند هند، سریلانکا، بنگلادش، اندونزی و فیلیپین هستند اما تعداد قابل ملاحظه‌ای هم از این کارگران از کشورهای مصر و سودان مهاجرت کرده‌اند. اغلب این کارگران مهاجر، با شرایط سخت کاری روبه رو می‌شوند، یعنی 12 الی 16 ساعت کار روزانه که بدون دسترسی به غذا و نوشیدنی بوده و گاهی اوقات تا ماه‌ها دستمزدی هم دریافت نمی‌کنند. (گلشن پژوه، 1388، 239)

از دیگر موارد مهم نقض حقوق بشر در این کشور، نقض و تبعیض آشکار علیه زنان می‌باشد، که از محدودیت‌های شدیدی رنج می‌برند. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی معتقدند، زنان در عربستان مورد تبعیض بوده و در خانواده به نحو خشونت‌آمیزی با آنها رفتار می‌شود. از لحاظ شغلی نیز، زنان، برای کار در خارج از

خانه با محدودیت‌های زیادی مواجه هستند و دولت نیز اعلام کرده تنها زمانی به شمار نیروهای شاغل زن افزوده خواهد شد که به کار آنان نیاز باشد. (گلشن پژوه 1388، 162)

کشور عربستان سعودی تنها کشوری است در جهان که به زنان اجازه رانندگی داده نشده است، اگر چه قانون رسمی جهت منع رانندگی وجود ندارد و تنها توسط وزراء در عربستان در سال 1990 رسمی و قانونی شده و زنانی که قصد رانندگی داشته باشند، دستگیر می‌شوند. آزادی مذهب از موارد دیگری است که در عربستان سعودی نقض می‌شود و پیروان اقلیت‌های مذهبی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. محدودیت‌های مذهبی در این کشور بر شهروندان سعودی و تبعه خارجی به طور یکسان اعمال می‌شود و هر گونه ابراز وابستگی یا تعلق به ادیان دیگر ممنوع است، به غیر از فرقه وهابیون که از شاخه‌های حنبلی اهل تسنن است. لازم به ذکر است از یک طرف عربستان سعودی نقش مهمی را در اشاعه و ارتقاء تفسیر شدید سلفی‌گری و وهابی بازی می‌کند و از طرف دیگر بسیاری از سازمان‌های تروریستی مانند القاعده از گروه سلفی‌گران و وهابیون می‌باشند. (قطعنامه 11 مارس 2014 پارلمان اروپا علیه عربستان، 2014)

در این میان، جمعیت شیعه این کشور از تبعیض علیه مسائل مربوط به مذهب و فرهنگ خود رنج می‌برند و این تبعیض به حوزه‌های دیگر نیز مانند اشتغال در بخش خصوصی، آموزش و عدم دسترسی به مناصب قضایی، نیروهای امنیتی و نظامی سرایت پیدا کرده است. در این کشور هیچ سازمان حقوق بشر بین‌المللی حق پژوهش یا درخواست اطلاعات در زمینه حقوق بشر را ندارد. دولت در این کشور کنترل شدیدی بر همه ابزار رسانه‌ها داشته و دسترسی به اینترنت، ماهواره تلویزیونی و سایر راه‌های ارتباط با دنیای خارج را سانسور کرده و تحت کنترل خود دارد. همچنین آزادی بیان، آزادی فضای مجازی و اینترنتی، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات از موارد نقض حقوق بشر

در عربستان می‌توان نام برد. در رابطه با اعدام، عربستان یکی از بالاترین آمارها در گزارش‌های جهانی در زمینه مجازات اعدام بوده است. اعدام در عربستان عبارت از قطع سر در ملا عام برای مردان و بستن به جوخه اعدام یا قطع سر در برخی موارد در ملا عام برای زنان می‌باشد. همچنین افراد متهم به زنا یا محصنه نیز تا حد مرگ سنگسار شده و در برخی موارد پس از مرگ نیز، مصلوب می‌شوند. (گلشن پژوه، 1388، 240)

افزون بر آن، در خصوص مجازات اعدام، نوجوانان مجرم زیر 18 سال هم در لیست افراد اعدامی مشاهده می‌شود. به گزارش اتحادیه اروپا، مجازات اعدام در عربستان سعودی در خصوص محکومین با جرمهای مختلف اجرا می‌شود، تعداد اعدام شدگان در سال 2013 حداقل 24 نفر، سال 2011 و 2012 حداقل 80 نفر، 2010 تقریباً سه برابر (نسبت به سال 2012) بوده که بیشترین آمار شامل اقلیت‌ها و افراد خارجی می‌باشد. به علاوه این کشور یکی از نادرترین کشورهای است که مجازات اعدام را در ملاعام انجام می‌دهد و گزارش‌هایی هم از اعدام زنان از طریق سنگسار شدن رسیده که این نوع شکل از شکنجه و مرگ، تداعی‌کننده زمان بربریت می‌باشد. (قطعنامه 11 مارس 2014 پارلمان اروپا علیه عربستان، 2014)

یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در عربستان شکنجه و سوء رفتار نسبت به زندانیان می‌باشد. قطع عضو، شکنجه، شلاق زدن، رفتار غیرانسانی و بی‌رحمانه روال عادی در نظام مجازات‌های کیفری عربستان محسوب می‌شود. نظام قضایی و کیفری عربستان اعمال شکنجه را تسهیل می‌کند. فقدان نظارت قضایی بر مراحل مختلف بازداشت و محاکمه و منع ارتباط متهمان با اعضای خانواده، پزشک و وکیل، آنها را به شدت مورد شکنجه و سوء رفتار قرار داده است. از نمونه‌های رایج آزار و اذیت و سوء رفتار در این کشور، ضرب و شتم با ترکه، محرومیت از خواب، شوک الکتریکی، سوزاندن با سیگار و کشیدن ناخن می‌باشد. جرائم مرتبط با مشروبات الکلی، شکستن

هنجارهای اخلاقی از نمونه‌های مستحق مجازات شلاق در عربستان می‌باشد. همچنین بریدن دست و پا در مواردی مانند دزدی و سرقت از موارد دیگری است که به سوء رفتار منتهی می‌شود. (گزارش عفو بین الملل، 2008، 2014)

از موارد دیگر نقض حقوق بشر در عربستان، وضعیت نامطلوب کارگران مهاجر خارجی و همچنین زنان به عنوان کارگران خانگی می‌باشد، که در معرض خطر خشونت‌های فیزیکی و سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند. اتحادیه اروپا از مقامات عربستان می‌خواهد که هر چه سریعتر اصلاحات قوانین کار صورت پذیرد و سیستم کفالت (ضبط گذرنامه و کلیه اسناد مسافرتی کارگران مهاجر) کلاً منسوخ گردد. کار و فعالیت سازمان‌های حقوق بشری در عربستان سعودی توسط مقامات به شدت محدود شده و فقط مراکز خیریه تنها شکلی از سازمان‌های مدنی در عربستان هستند که اجازه فعالیت دارند. با فشارهای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، سه سازمان غیردولتی در حوزه فعالیت حقوق بشر از سال 2000 تا کنون در عربستان سعودی تاسیس شده‌اند که عبارت است از: انجمن ملی حقوق بشر سعودی¹، انجمن حقوق سیاسی، مدنی سعودی² و اولین انجمن حقوق بشر³. تنها انجمن ملی حقوق بشر سعودی دارای اساسنامه قانونی است. دولت سعودی به سازمان‌ها اجازه کار و فعالیت را به طور کاربردی و عملیاتی نمی‌دهد، در واقع هیچ از مراکز حقوق بشری دارای ضمانت اجرایی نبوده و فاقد استقلال رای می‌باشند. (الهرگان، 2012، 7)

لازم به ذکر است کشور عربستان سعودی، مانند سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس درگیر یک چالش ساختاری، میان رشد سریع اقتصادی و متقابلاً عدم توسعه سیاسی و نقض موازین بین‌المللی حقوق بشر، عدم توسعه ساختار دموکراتیک و عدم ارتقای حقوق بشر بوده است. این در حالی است که عربستان سعودی بر اثر فشارهای

¹.Saudi National society for Human Rights (NSHR)

².Saudi Civil, Political Rights Associations (ACPRA)

³.Human Rights First Society (HRFS)

بسیار زیاد محافل بین‌المللی، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۱ را با حق شرط‌هایی در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۰۴ و کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی^۲، کنوانسیون منع شکنجه^۳ و کنوانسیون حقوق کودک^۴ را به تصویب رسانده و همچنین به عنوان یک عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ انتخاب گردیده است. به منظور ارزیابی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال عربستان سعودی، انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا در قالب (قطعنامه، بیانیه، اعلامیه و گزارشات) وجود دارد که مشخصاً توسط پارلمان و کمیسیون اروپا صادر شده اند و در ادامه مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله حاضر در ادامه، به بررسی قطعنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۸ تا کنون از سوی نهاد پارلمان اروپا در رابطه با موضوعات حقوق بشری علیه عربستان سعودی منتشر گشته است، می‌پردازد.

4-1- پارلمان اروپا و حقوق بشر در عربستان سعودی

پارلمان اروپا قطعنامه‌ای، با عنوان "روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس" در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۱۱ تصویب نمود. این قطعنامه اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده و همچنین به تداوم همکاری میان اتحادیه اروپا و کشورهای شورای خلیج فارس در زمینه اقتصادی، آموزشی و تجارت آزاد تاکید دارد. در ضمن مباحثی نظیر وضعیت کارگران مهاجر، کارگران خانگی، اصلاح قوانین قضایی-کیفری و اصلاح قوانین کار را در زمینه وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی را یادآور می‌شود. (قطعنامه ۲۴ مارس ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا علیه عربستان)

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

2. International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination (CERD).

3. Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (CAT, 1997).

4. Convention on the Rights of the Child

همچنین پارلمان اتحادیه اروپا در تاریخ 11 مارس 2014 قطعنامه‌ای را علیه عربستان سعودی تحت عنوان "ارتباط عربستان سعودی با اتحادیه اروپا و نقش آن در خاورمیانه و شمال آفریقا" تصویب نمود. این قطعنامه موضوعاتی از قبیل توافقنامه تجارت آزاد، توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا-شورای همکاری خلیج فارس و مباحث حقوق بشری را در بر می‌گیرد. قطعنامه مذکور دارای یک مقدمه و 49 بند می‌باشد، که مباحث و موضوعات حقوق بشری بیشترین موارد آن را دربر گرفته است. پارلمان اروپا در این قطعنامه در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی نظیر بازداشت‌های خودسرانه، حبس زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر، مجازات اعدام، سنگسار، اعدام متخلفان نوجوان زیر 18 سال، شکنجه زندانیان و بازداشت‌شدگان، محاکمه غیرعادلانه قضایی، منع ازدواج کودکان (حداقل سن ازدواج)، منع آزادی بیان، منع آزادی رسانه‌ها، مطبوعات و شبکه اجتماعی مجازی به شدت احساس نگرانی می‌کند. اتحادیه اروپا، از مقامات حکومت عربستان می‌خواهد که به عنوان عضوی از شورای حقوق بشر سازمان ملل به اصول حقوق بشر و دموکراسی احترام و ارزش نهاده و چندین سند مهم حقوق بشر مانند منشور حقوق بشر عرب، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان را محترم بشمارند و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری¹ را امضا و تصویب نماید. همچنین سیستم قضایی بر مبنای قوانین شریعت‌شان را از طریق آشنایی با استانداردهای بین‌المللی از جمله فرایند دستگیری، حبس، محاکمه و حقوق زندانیان، بهبود و ارتقا بخشند. در این قطعنامه اتحادیه اروپا به این نکته اشاره دارد که با توجه به اصلاحات تدریجی و متوسطی که از سال 2001 در عربستان انجام پذیرفته، اما از آنجایی که آن اصلاحات هنوز نهادینه نشده‌اند، به آسانی می‌توانند به حالت قبل بازگردند. ضمناً بیان می‌کند سابقه حقوق بشر در این کشور تاریک بوده و یک شکاف اساسی بین تعهدات بین‌المللی و اجرایی شدن

¹. International Criminal Court (ICC)

آنها در عربستان وجود دارد. همچنین علی‌رغم اینکه از دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، به همه دولت‌ها مبنی بر تمدید دعوتنامه رسمی به گزارشگران ویژه ابلاغ شده بود، مقامات عربستان سعودی دعوتنامه گزارشگر ویژه سازمان ملل در ارتباط با موضوع شکنجه و مدافعان حقوق بشر را ارسال ننموده‌اند. (قطعه‌نامه 11 مارس 2014 پارلمان اروپا علیه عربستان، 2014)

شایان ذکر است قطعنامه‌ای از سوی پارلمان اروپا در طی سال 2008 الی 2010 با توجه به تمرکز بازه زمانی در این مقاله، علیه عربستان سعودی در ارتباط با موضوع حقوق بشر منتشر نگردیده است، اما در 13 دسامبر 2007، پارلمان اروپا قطعنامه‌ای تحت عنوان وضعیت حقوق زنان در عربستان سعودی، در هشت بند تصویب گشت.

4-2- کمیسیون اروپا و حقوق بشر در عربستان سعودی

انتقادات اتحادیه اروپا علاوه بر قطعنامه، در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی در قالب گزارشات سالانه، بیانیه و اعلامیه نیز منتشر می‌شود. در اینجا می‌توان به 7 مورد بیانیه از سوی نماینده عالی رتبه اتحادیه اروپا، در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی طی سالهای 2008 تا کنون اشاره نمود که عبارت است از: مجازات اعدام (24 می 2013)، اعدام 7 جوان سعودی به جرم سرقت مسلحانه (13 مارس 2013)، اعدام کارگر مهاجر سریلانکایی، ریزانا نافیک (10 ژانویه 2013)، شرکت سیاسی زنان (26 سپتامبر 2011)، اعتراض رانندگان زن (23 ژوئن 2011)، مجازات مرگ و اعدام (11 دسامبر 2009)، اعدام 3 شهروند خارجی (6 نوامبر 2009).

اتحادیه اروپا به طور سالیانه گزارشی، تحت عنوان "گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی در جهان" را تدوین می‌کند. در این گزارش کلیه مباحث و موارد نقض حقوق بشری در سراسر جهان و همچنین فعالیت‌ها و اقدامات اتحادیه اروپا در این زمینه را منتشر می‌نماید. در این مقاله نکات مهم و برجسته این گزارشات در ارتباط با

کشور عربستان سعودی، از سال 2008 تا کنون مورد توجه قرار می‌گیرد. در گزارش سالانه 2012 حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، اتحادیه نقض موارد حقوق بشر در عربستان اعم از مجازات اعدام، تبعیض آشکار حقوق زنان، عدم آزادی بیان و مطبوعات را محکوم می‌کند و طبق این گزارش کشور عربستان یکی از کشورهای است که بالاترین میزان اعدام را در سراسر جهان در طی این سال دارد. همچنین در این گزارش آمده است: "برای اولین بار زنان در سال 2012، واجد شرایط به منظور شرکت در شورای مشورتی¹ عربستان شناخته شدند و 30 کرسی از مجموع 150، نیز به آنان اختصاص داده شد. همچنین به زنان، اجازه حق رای در انتخابات شهرداری 2015 داده شد." با این وجود در انتخابات شهرداری 2015 عربستان سعودی، نیمی از اعضا، توسط فرایند انتخاباتی از طریق آراء انتخاب خواهند شد و نیمی دیگر صرفاً توسط پادشاه سعودی منصوب می‌شوند. (گزارش سالانه 2012 حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا، 171)

همچنین در گزارش سالانه 2011 حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا آمده است: میزان اعدام‌ها در سال 2011 در عربستان سعودی افزایش یافته و حتی در میان آمار اعدام شدگان، افرادی با جرم‌هایی در ارتباط با مواد مخدر و جادوگری نیز مشاهده شده است. از مقامات دولت عربستان خواسته شده تا در ارتقاء آزادی‌های اساسی حقوق بشر به ویژه آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و عقیده، آزادی اجتماعات بکوشد و همچنین به حقوق زنان و حقوق کودک در کشور احترام بگذارد و اصلاحاتی را در ارتباط با قانون کار و بهبود وضعیت کارگران مهاجر انجام دهد. (گزارش سالانه 2011 حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، 228)

در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا در سال 2010، اتحادیه اروپا سه مورد نقض حقوق بشر را به عنوان مهمترین موارد نقض در عربستان سعودی

¹. Consultative Shura Council

اعم از مجازات اعدام، حقوق زنان و اصلاحات قضایی برمی‌شمارد. اتحادیه در این گزارش از اصلاحاتی از سوی حکومت در ارتباط با حقوق زنان و حقوق کودکان استقبال می‌کند و عنوان می‌کند اگر چه شروع اصلاحات از سطح بسیار پایینی برخوردار است اما نسبت به چند سال گذشته به این موارد از سوی حکومت توجه شده است. (گزارش سالانه 2010 حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، 136)

همچنین در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی 2009-2008 اتحادیه، نگرانی خود را به وضعیت حقوق بشر در عربستان اعلام می‌کند و مجازات اعدام، نقض حقوق زنان و ممنوعیت آزادی مطبوعات را محکوم کرده و از مقامات سعودی می‌خواهد فوراً مجازات اعدام متخلفان زیر 18 سال را متوقف سازند و اشاره می‌کند که مجازات اعدام سال‌های طولانی است که بر مجرمین در عربستان اعمال می‌شود و در میان اعدامین، افرادی با جرمهای قاچاق موارد مخدر و گرایش‌های جنسی نیز مشاهده می‌شود که برخلاف تعهدات، استانداردهای بین‌المللی و قوانین حقوق بین‌الملل می‌باشد. (گزارش سالانه 2009-2008 حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، 150)

با وجود گزارش، بیانیه، اعلامیه و قطعنامه‌های مختلف از سوی کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپا، کمیسیون و پارلمان اروپا در ارتباط با نقض حقوق بشر در عربستان سعودی، همچنان همکاری دوجانبه‌ای میان اتحادیه اروپا و عربستان سعودی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی وجود دارد و اتحادیه اروپا، دولت عربستان سعودی را شریک اصلی تجاری خود در این منطقه می‌داند. همچنین تعداد زیادی از شرکت‌های اتحادیه اروپا، از بزرگترین سرمایه‌گذاران، به ویژه در زمینه صنعت نفت در عربستان سعودی می‌باشند و این کشور مهمترین بازار برای صادرات کالاهای صنعتی اتحادیه اروپا در زمینه دفاعی، حمل و نقل، پزشکی و صنعت خودرو می‌باشد. همچنین اتحادیه اروپا اقدام به برنامه‌ریزی در جهت تشدید وابستگی متقابل اقتصادی با منطقه خاورمیانه بالاخص حاشیه خلیج فارس نموده است تا به این ترتیب

هیچ دولتی در منطقه، روابط خوب خود را با جامعه اروپا بر سر یک منازعه منطقه‌ای به خطر نیندازد. (وون لئون 1999، 8)

به نظر می‌رسد، نقض آشکار حقوق بشر در عربستان سعودی، خللی در روابط اتحادیه اروپا با این کشور در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی-تجاری و نظامی وارد ننموده و همچنین موضوع حقوق بشر در ادامه همکاری با عربستان سعودی در اولویت سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار نمی‌گیرد و به عنوان متغیر اصلی، کلیه روابط را دستخوش سیر تغییرات قرار نمی‌دهد. از یک طرف، طبق گزارش سالانه حقوق بشر 2011 اتحادیه اروپا، در عربستان سعودی، حداقل‌های استانداردهای حقوق بشری رعایت نمی‌شود. از طرفی دیگر، طبق ماده 2 پیمان اتحادیه اروپا، این اتحادیه بر اساس احترام به شان، آزادی، دموکراسی، برابری، قوانین حقوقی و احترام به حقوق بشر پایه-گذاری شده است و علاوه بر این، اتحادیه مایل به پیاده نمودن این ارزش‌ها در روابط خارجی خود می‌باشد. (ماده 21 پیمان اتحادیه اروپا) در اینجا این تناقض آشکار را می-توان مشاهده نمود، که اتحادیه اروپا با کشوری که دارای نازل‌ترین استانداردهای حقوق بشری است، بالاترین سطح روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی را برقرار نموده است و ارزشهای حقوق بشری در جایگاهی پایین‌تر از سطح تعاملات دوجانبه قرار دارد. همچنین اتحادیه اروپا با وجود کشتار و سرکوبی شدید مخالفین و غیرنظامیان توسط ارتش بحرین و عربستان سعودی، تغییر و نوسانی در مناسبات خود با کشور عربستان ایجاد ننمود و اولویت حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا و کشورهای این منطقه کم رنگ بنظر می‌رسد. طبق گزارش مجله اشپیگل آلمان، اتحادیه اروپا در سال 2012 بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ‌افزارها را با در نظر گرفتن اهداف و منافع خود، به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی داشته است. (لیسر 2012، 123) از این رو، واکنش و عکس‌العمل خاصی مبنی بر تحریم-های یک جانبه یا چند جانبه اقتصادی، تجاری و نظامی علیه این کشورها دیده نمی‌شود

و این در حالی است که کشورهای این منطقه تا سطح مطلوب استانداردهای بین‌المللی در زمینه دموکراسی و حقوق بشر فاصله زیادی دارد.

5- ارزیابی سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

و عربستان سعودی

به طور کلی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن اهمیت زیادی به مبحث حقوق بشر، ارتقاء دموکراسی و برقراری حاکمیت قانون در تنظیم روابط خود با کشورهای ثالث می‌دهند. در واقع در کلیه موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی-تجاری اتحادیه با کشورهای ثالث بند رعایت حقوق بشر وجود دارد. اتحادیه اروپا بر طبق این سند مصوب، اهداف راهبردی خود را مقدم بر ارتقاء حقوق بشر و دموکراتیزه کردن آن در کشورهای ثالث قرار می‌دهد. (خالوزاده 1389، 244) می‌توان اذعان داشت که لحن کلیه قطعنامه، اعلامیه، بیانیه و گزارشات منتشر شده از سوی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تقریباً مشابه است اما از لحاظ تعداد، کیفیت و شدت عبارات متفاوت می‌باشند. انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در قالب گزارش، اعلامیه و قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشور عربستان سعودی را می‌توان از چند بعد بررسی نمود:

○ در ابتدا می‌توان انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در تعداد قطعنامه‌ها بررسی نمود. پارلمان اروپا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر، از سال 2008 تا کنون، 14 قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و 2 قطعنامه علیه عربستان سعودی منتشر نموده است.

○ انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در تعدد حوزه‌ها مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر، اتحادیه اروپا در کشور ایران بیشتر بر مولفه‌هایی نظیر مجازات اعدام و سنگسار، حاکمیت قانون، اصلاح قوانین کیفری، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی

مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها (بهائیان) تاکید دارد اما در عربستان سعودی، بیشتر بر مجازات اعدام و سنگسار، اصلاح قوانین کیفری، حقوق زنان و آزادی مطبوعات بیشتر اصرار دارد.

○ طبق آمار بدست آمده از یافته‌های مقاله فوق، کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپا از سال 2008 تا کنون بالغ بر 67 مورد بیانیه و اعلامیه فقط در ارتباط با وضعیت حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران منتشر نموده و این در حالی است که این کمیته، 7 بیانیه در ارتباط با نقض حقوق بشر علیه عربستان سعودی منتشر نموده است.

○ در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از سوی اتحادیه اروپا قطعنامه‌های زیادی علیه ایران تصویب گردیده اما در هیچ یک از بندهای قطعنامه‌ها، از کلمه بربریت و برده‌داری مدرن استفاده نشده است. مفهوم اصطلاحات مذکور، به طور واضح نقض فاحش حقوق بشر را به دنبال دارد و می‌توان آن را در قطعنامه‌ای از سوی اتحادیه اروپا علیه عربستان سعودی، مورخ 11 مارس 2014 در رابطه با اعدام زنان توسط سنگسار شدن را در ملامت مشاهده نمود، که این عمل را نشانه‌ای از زمان بربریت می‌داند. با این حال اتحادیه اروپا در مناسبات سیاسی خود با دولت عربستان، تعهدات بین المللی مورد نظر و تعریف شده از سوی خود را در اولویت قرار نمی‌دهد.

○ پارلمان اروپا در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه ایران و عربستان سعودی، هر دو را به یک میزان به نقض حقوق زنان محکوم می‌کند. لازم به توضیح است، در عربستان سعودی حقوق زنان به شدت محدود است. به علاوه بانک جهانی نیز گزارشی را با عنوان "زنان، تجارت و قانون 2014 بمنظور رفع محدودیت‌ها به منظور ارتقای برابری جنسیتی" اعلام کرد که

- عربستان سعودی در لیست اولین کشورهایی قرار دارد که محدودیت‌های زیادی را برای پتانسیل اقتصادی زنان اعمال می‌نماید. (بانک جهانی، 2014)
- شدت کلمات و عبارات بکار رفته در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، متفاوت می‌باشد. اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر از کلماتی مانند "نقض فاحش" و "نقض سیستماتیک" حقوق بشری استفاده می‌نماید اما در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه عربستان سعودی عبارت "نقض جدی" را به کار برده و در مواردی هم که از "نقض فاحش" را استفاده نماید، تعدادش به مراتب کمتر است.
 - اتحادیه اروپا در ارتباط با همکاری نظامی‌اش با کشور جمهوری اسلامی ایران، آن را منوط به رعایت استانداردهای بین‌المللی از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌داند اما در مناسبات نظامی خود با عربستان سعودی، علیرغم موارد نقض حقوق بشر در این کشور، خللی در روابط دوجانبه‌شان وارد نمی‌شود. در اینجا می‌توان اذعان داشت طبق گزارشی از اشیگل، نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا بزرگترین کشور صادرکننده اسلحه به کشورهای خاورمیانه می‌باشد. به عنوان مثال در سال 2010 کشورهای عضو اتحادیه اروپا حداقل به ارزش 3/3 میلیارد یورو تجهیزات نظامی به عربستان سعودی، ریاض صادر نمودند. (لیسر 2012، 123) همچنین به گزارشی از موسسه تحقیقاتی بین‌المللی صلح استکهلم¹، حجم تجارت جنگ افزارها بین اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال 2012 نسبت به 5 سال گذشته، 24 درصد افزایش داشته است. کشور آلمان از نظر فروش اسلحه در جایگاه سوم (9 درصد فروش از کل) در سراسر جهان قرار دارد. (گریمیت

¹. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

2011، 214) از طرفی، در سال 2009 میلادی اروپاییان قوانینی را برای صادرات اسلحه و مهمات بمنظور کنترل تجارت تجهیزات نظامی اتخاذ نمودند. این قوانین حاکی از آن است که از صادرات سلاح‌های جنگی به منظور اهداف نامطلوب نظیر سرکوبی داخلی و تجاوزهای بین‌المللی باید اجتناب گردد. اما برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا این قانون را نادیده گرفته و سلاح‌های جنگی را به کشورهای منطقه خلیج فارس بالخصوص عربستان سعودی که به عنوان یک بازیگر اقتصادی، سیاسی موثر در منطقه حاشیه جنوبی خلیج فارس بوده، صادر می‌نمایند. (لوسکو، 2012، 1)

○ افزون بر موارد فوق، پارلمان اروپا در قطعنامه 31 آوریل 2014 علیه ایران، بیان نمود که انتخابات ژوئن 2013 جمهوری اسلامی ایران بر طبق استانداردهای بین‌المللی برگزار نشده است. این در حالی که در عربستان، از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی که یک انتخابات ساده می‌باشد، باز مانده‌اند.

○ اتحادیه اروپا در هیچ یک از قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و یا گزارشات ادامه همکاری و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی-تجاری با عربستان را منوط به احترام به تعهدات بین‌المللی و رعایت اصول و استانداردهای بین‌المللی نمی‌داند. این در حالی است که مردمان کشورهای این منطقه، از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی باز مانده‌اند. اما از طرفی دیگر اتحادیه اروپا در اکثر قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه ایران، در کلیه روابطش اعم از سیاسی، اقتصادی-تجاری و نظامی، مسئله رعایت تعهدات و استانداردهای بین‌المللی مد نظر و تعریف شده خود را در اولویت قرار داده و تاکید می‌کند هر دو به موازات یکدیگر حرکت خواهند کرد.

در کلیت امر می‌توان پذیرفت اختلافات اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، تاثیری بر روابط اقتصادی-تجاری دو طرف طی دهه‌های گذشته نداشته است، کما اینکه تا قبل از تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت در سال 2012، اتحادیه اروپا بزرگترین طرف شریک تجاری ایران بوده است. به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر مسائل حقوق بشری و روابط اتحادیه اروپا و ایران در حوزه سیاسی و نظامی می‌باشد که این تاثیر خود را در کاهش سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک و توقف همکاری‌های نظامی بین طرفین نشان می‌دهد. گو اینکه اختلافات اتحادیه اروپا با ایران در زمینه حقوق بشر تنها دلیل کاهش مناسبات سیاسی و توقف همکاری‌های نظامی میان طرفین نیست. از طرف دیگر می‌توان چنین بیان نمود که اختلافات حقوق بشری اتحادیه اروپا با عربستان سعودی هیچ گونه تاثیری بر سطح روابط تجاری-اقتصادی، سیاسی و نظامی میان طرفین نداشته است. زیرا در دهه‌های گذشته، عربستان یکی از شرکای اصلی تجاری اتحادیه در منطقه خلیج فارس بوده و تعداد زیادی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری عربستان در زمینه نفت، اروپایی می‌باشند و همچنین اتحادیه اروپا در حوزه‌های دفاعی- نظامی در سال 2012، بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ-افزارها را با در نظر گرفتن اهداف خود، به کشورهای حاشیه جنوبی منطقه بالاخص عربستان داشته است. لذا باید این نکته را در نظر داشت که اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده هم در حرف و هم در عمل تا حدی خود را متعهد به حقوق بشر نشان دهد و یقیناً اتحادیه اروپا در زمان نیاز به نفت وارداتی عربستان با همان شدت از نقض حقوق بشر سخن نمی‌گوید. اما نباید تصور کرد که اتحادیه اروپا انتقادات حقوق بشری خود را با استفاده از قطعنامه‌های پارلمان، گزارشات، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های نهادهای مدنی خود انجام نخواهد داد.

منابع

1. تاموشات، کریستیان (1391)، حقوق بشر، ترجمه‌ی حسین شریفی طرازکوهی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
2. خالوزاده، سعید، (1389)، سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپایی در اتحادیه اروپا، هویت، امنیت و سیاست، تدوین سید عبدالعلی قوام و داوود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
3. قوام، سید عبدالعلی و داوود کیانی، (1389)، اتحادیه اروپا، هویت، امنیت و سیاست، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
4. گلشن پژوه، محمودرضا، (1388)، حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش-ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
5. گلشن پژوه، محمودرضا، (1390)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران در کتاب اروپا 10، تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
6. گلشن پژوه، محمودرضا، (1391)، ارزیابی تاثیر متغیر حقوق بشر در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در ایران واتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها جلد 1، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
7. مشیرزاده، حمیرا، (1390)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
8. ممتاز، جمشید، (1382)، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
9. نیوجنت، نیل، (1393)، سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا، ترجمه‌ی محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

10. آقاعلیخانی، مهدی، (1390)، بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی و تاثیر آن بر ایران، علوم سیاسی، دوره 18، شماره 1.

11. عبدخدایی، مجتبی، (1389)، مساله حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپایی، سیاست خارجی، دوره 24، شماره 2.

12. Alston, Philip (2000), **European Union and Human Rights**, Oxford: Oxford University Press.
13. Castberg, Frede (1974), **The European Convention on Human Rights**. Oceana publications Inc.
14. Laurd, Evan (1967), **The International Protection of Human Rights**, New York: F.A. Program.
15. Von Leeuwen, Marianne (1999), **EU and US Security Relations and the New Transatlantic Agenda**, Netherlands: Institute of International Relations.
16. Aggestam, Lisbeth (2008), **Ethical Power Europe?** International Affairs, Vol.84, No.1.
17. Alhargan , Abdulaziz, (2012) , **Saudi Arabia: Civil Rights and Local Actors**, Middle East Pollicy, Vol. 24, No.1.
18. Balducci, Giuseppe, (2008), **The Study of the EU Promotion of Human Rights: the Importance and Internal Factors**, GARENT, No.8.
19. Colombo, Silvia and Camilla Committeri, (2013), **Need to Rethink the EU-GCC Strategic Relation**, SHARAKA, No.1.
20. Echague, Ana, (2007), **The European Union and Gulf Cooperation Council**, Democratization program, FRIDE.
21. Grimmet, Richard F., (2011), **Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2003-2010**, CRS Report for Congress.
22. Leser, Leviten, (2012), **Weapons Exports: EU Nations Sell the Most Arms to Saudi Arabia**, Der Spiegel, No.12.
23. Levesque, Julie (2012), **Massive EU Weapons Sales to Saudi Arabia Contribute to Fuelling International**

Aggression and Terrorism in the Middle East, Global Research.

24. Pace, Michele, (2010), **Interrogating the European Union's Democracy Promotion Agenda: Discursive Configurations of Democracy from the Middle East**, European Foreign Affairs Review, No.15.
25. R.Mc Conquodale and Richard Fairbrother, (1999), **Globalization and Human Rights**, Human Rights Quarterly, No.21.
26. Saleh, Nivien, (1999), **The European Union and Gulf States: A Growing Partnership**. Middle East Policy, Vol.7, No.1.
27. Council of the European Union , EU Annual Report on Human Rights and Democracy in the World in 2012 , Brussels, 13 May 2013. 9431/13. Cited in:
http://eeas.europa.eu/top_stories/2013/250613_eu_hr_report_2012_en.htm
28. Council of European Union, 2011 Council conclusions on Bahrain, 3082nd Foreign Affairs Council meeting, Brussels. Cited in: www.consilium.europa.eu/newsroom
29. European Commission, Development & cooperation-Europe-Aid, European Instrument for Democracy & Human Rights (EIDHR). Cited in:
http://ec.europa.eu/europeaid/how/finance/eidhr_en.htm.
30. European Parliament resolution on the EU strategy towards Iran (2014/2625(RSP)) – B7-0279/2014.Cited in:www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=MOTION&reference=B7-2014-0279&language=EN,4.21.2014
31. European Parliament resolution of 31 January 2008 on human rights in Iran. Cited in:
www.europarl.eu/sides/reference=P6-TA-2008-0031
32. European Parliament resolution of 24 April 2008 on women's rights in Iran. Cited in:
www.europarl.eu/sides/getDoc.do?type=MOTION.

33. European Parliament resolution of 19 June 2008 on Iran: execution of juvenile offenders. Cited in: www.europarl.eu/sides/reference=B6-2008-0327.
34. European Parliament resolution of 4 September 2008 on executions in Iran. Cited in: www.europarl.eu/sides/reference=P6-TA-2008-0412
35. European Parliament resolution of 10 February 2010 on Iran. Cited in: www.europarl.eu/sides/reference=P7-TA-2010-0016
36. European Parliament resolution of 17 November 2011 on Iran-recent cases of human rights violations. Cited in: www.europarl.eu/sides/reference=P7_TA-2011-0517
37. European Parliament resolution of 14 June 2012 on Situation of ethnic minorities in Iran. Cited in: www.europarl.eu/sides/reference=B7-2012-0311.
38. European Parliament resolution of 22 November 2012 on Human rights situation in Iran, particularly mass executions and the recent death of the blogger Sattar Beheshti. Cited in: <http://www.europarl.eu/sides/reference=B7-2012-2877>.
39. European Parliament resolution of 24 March 2011 on EU relations with Gulf Cooperation Council (2010/2233(INI)), 29.6.2014. Cited in: www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=TA&language=EN&reference=PA-TA-2011-0109.
40. European Parliament resolution of 11 March 2014 on Saudi Arabia, its relations with the EU and its role in the Middle East and North Africa (2013/2147(INI))
41. European Parliament resolution of 11 March 2014 on Saudi Arabia, its relations with EU and its role in the Middle east and North Africa. Cited in: www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=TA&language=EN&reference=PA-TA-2014-0207
42. European Parliament resolution of 13 December 2007 on women's rights in Saudi Arabia, 29.6.2014. Cited in: www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=TA&language=EN&reference=PA-TA-2007-0012

-
43. EU approach towards Iran-P7_TA (2011)0096, Texts adopted-Thursdays, 10 March 2011. Cited in: www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+TA+-2011-0096+0+DOC+XML+V0//EN
 44. European Union, Statements and Declaration on Iran. Cited in: www.eeas.europa.eu/iran/news/index_en.htm
 45. FACTSHEET, The European Union and Iran, Brussels, 19 November 2013, 131219/04, page 2. Cited in: http://www.eeas.europa.eu/iran/news/index_en.htm
 46. Human rights and Democracy in the World Report on EU action 2011. Cited in: <http://eeas.europa.eu>.
 47. Human rights and Democracy in the World Report on EU action 2010. Cited in: http://eeas.europa.eu/human_rights/docs/annual_hr_report_2010.
 48. Human rights and Democracy in the World Report on EU action 2008-2009. Cited in: http://eeas.europa.eu/human_rights/index_en.htm.
 49. Subcommittee on Human Rights, Cited in: <http://www.europarl.europa.eu/committees/en/droi/home.html>. 5.3.2014.
 50. WorldBank. <http://wbl.worldbank.org/~media/FPDKM/WBL/Documents/Reports/2014/Women-Business-and-the-law-2014-key-findings.pdf>. 5/3/2014